خبر

بنزین «یورو ۵» می‌آید

● **ایرنا:** پس از عرضه بنزین یورو ۴ در تهران، مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش اعلام کرد، در سال ۱۳۹۴ کل بنزین مصرفی تهران مطابق با استاندارد یورو ۵ خواهد بود. به گزارش روابط‌عمومی شرکت ملی پالایش و پخش، عباس کاظمی اظهار کرد: با توجه به ماهیت سوخت‌های فسیلی و گاز و نیز روند افزایشی تعداد خودروها، جایگزینی انرژی برق به‌جای سوخت‌های رایج، مهم‌ترین راهکار کاهش آلودگی هواست. مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش اضافه کرد: استقرار دولت الکترونیک با کاهش سفر، نقش موثری در کاهش آلودگی هوا خواهد داشت. وی افزود: طی سال‌های ۹۳ و ۹۴ کل بنزین مصرفی تهران مطابق با استاندارد یورو ۵ خواهد بود اما با توجه به تعداد خودروهای فعال در این شهر، توزیع بنزین یورو ۵ به تنهایی برای حذف آلاینده‌ها از هوا کافی نیست. مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش گفت: با وجود کاهش آلاینده‌ها در بنزین و سایر سوخت‌ها، میزان آلایندگی هوا به تناسب افزایش تعداد خودروها هر روز بیشتر می‌شود، انداختن تمام تقصیر آلودگی به گردن سوخت، عملا مانع از دستیابی به یک راهکار جامع برای حل این معضل زیست‌محیطی و بهداشتی خواهد شد.

کلیات لایحه بودجه ۹۳ تصویب شد

● **فارس:** کمیسیون تلفیق لایحه بودجه ۹۳ با ۳۹ رای موافق کلیات این لایحه را به تصویب رساند. اعضای کمیسیون تلفیق لایحه بودجه سال ۱۳۹۳ کل‌کشور در جلسه عصر امروز این کمیسیون کلیات این لایحه را با ۳۹ رای موافق، پنج رای مخالف و یک رای ممتنع از مجموع ۴۵ رای ماخوذه، به تصویب رساندند.

یارانه شیر در پیچ‌وخم اداری گیر کرد

● **ایسنا:** پس از گذشت بیش از ۲۰روز از مصوبه دولت برای اختصاص یارانه سه‌هزارمیلیاردریالی در راستای ثابت نگه‌داشتن قیمت شیر، همچنان این مصوبه در راه ابلاغ و احتمالا پیچ‌وخم‌های اداری‌گیر کرده است که دامداران معتقدند این بلاتکلیفی می‌تواند بحران تازه‌ای به نام شیر را برای کشور ایجاد کند

دامدارانی که از ابتدای امسال شیرخام تولیدشده در واحدهای تولیدی خود را به قیمت مناسب به کارخانه‌ها نمی‌فروختند و به قول خودشان همواره با ضرر و به‌ناچار به تولید ادامه می‌دادند، منتظر تدبیر دولت برای حل مشکلشان بودند تا اینکه رییس‌جمهور دستوری برای ثابت نگه‌داشتن قیمت این فرآورده لبنی و اختصاص یارانه به دامداران برای جلوگیری از ادامه ضرروزیانشان صادر کرد و یارانه سه‌هزارمیلیاردریالی به تصویب رسید. اما بیش از ۲۰روز از ابلاغ این مصوبه از سوی سخنگوی دولت می‌گذرد و خبری از یارانه و حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نیست و به گفته کارشناسان اگر این وضعیت ادامه یابد دامداران با قیمت کمتر از هزینه‌های تولیدشان مجبورند شیرخام را با ضرر و بدون یارانه به کارخانه‌ها بفروشند. با این وضعیت، تولید محصولات لبنی مانند شیر با بحران مواجه می‌شود و دیگر شیری وجود نخواهد داشت تا به فکر ارزان نگه‌داشتن آن و جلوگیری از کاهش مصرف سرانه‌اش در کشور باشیم.

بحران شیر خام و تعطیلی دامداری‌ها در راه است؟

سیروس روستا، رییس هیات‌مدیره اتحادیه مرکزی دامداران دراین‌باره به ایسنا گفت: اگر این وضعیت همچنان ادامه داشته باشد و یارانه شیر که حق دامداران است هرچه سریع‌تر ابلاغ نشود مجددا شاهد بحران شیر در کشور خواهیم بود که کارخانه‌ها، دیگر محصول دامداران را از آنها نمی‌خرند و تولیدکنندگان هم که در حال حاضر با فروش دام‌های خود گذران زندگی می‌کنند مجبور می‌شوند واحدهای دامپروری را تعطیل کنند.

وی افزود: مسوولان هرچه‌سریع‌تر تکلیف دامداران را مشخص کنند تا دامداران بیش از این متحمل زیان و خسارت نشوند و بدانند برای آینده باید به تولید ادامه دهند یا برای جلوگیری از زیان بیشتر باید واحدهای خود را تعطیل کنند؟

موسوی نیز یکی از دامداران منطقه پاکدشت دراین‌باره گفت: چگونه است دولت برای حمایت از مصرف‌کننده از افزایش قیمت شیر جلوگیری می‌کند اما برای حمایت از دامداران که همه زندگی‌شان در تولید برای تامین امنیت غذایی مردم خلاصه شده است اقدام عاجلی نمی‌کند.

وی خاطرنشان کرد: در سال گذشته هم که قیمت شیر به کیلویی هزارو۱۳۰تومان رسیده بود دولت با وعده علوفه یارانه‌ای قیمت آن را به کیلویی ۹۳۰تومان کاهش داد و امسال هم باوجود تصویب یارانه سه‌هزارمیلیاردتومانی هنوز هیچ یارانه‌ای به دامداران داده نشده است و ما همچنان در بلاتکلیفی به‌سر می‌بریم.

این دامدار پاکدشتی ادامه داد: اگر وزارت جهاد کشاورزی، شرکت پشتیبانی امور دام را تحویل گرفته است باید برنامه‌ریزی کند تا بدهکاری علوفه یارانه‌ای این شرکت به دامداران هرچه سریع‌تر پرداخت شود و از سوی دیگر حالا که این وزارتخانه همه امور دامداران را به دست گرفته، کاری کند تا خاطره‌های تلخ گذشته برای دامداران تکرار نشود.

ذره‌بین حسابرسی در مفاسد مالی

به حسابرسان فراخوان دهید

مصطفی دیلمی‌پور
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

«جامعه غافل و حرفه مغفول» بیان رابطه جامعه ما با حرفه حسابداری است که داستان مکرر فساد مالی جزء لاینفک آن است. جامعه‌ای که در چنددهه گذشته، بهای لازم را به این حرفه نداده و چوب آن را خورده است. هرچند که در سال ۱۳۶۱ اولین کامپیوترهای شخصی توسط شرکت «آی‌بی‌ام» به بازار معرفی و برنامه‌نویسی کامپیوتر جزو رشته‌های پولساز و با متقاضی فراوان معرفی شد، اما هرگز در پیشرفته‌ترین کشور دنیا یعنی ایالات‌متحده آمریکا تغییری در موقعیت اجتماعی سه حرفه برتر جامعه یعنی پزشکی، وکالت و حسابداری به‌وجود نیامد و هنوز هم فارغ از دوره‌های رونق یا رکود اقتصادی این سه حرفه در صدر حرفه‌های برتر جامعه آمریکا قرار دارند.

در دهه ۶۰ گروه‌های زراندوزی که امروزه عمدتا به سرمایه‌داران نوکیسه و بدفرهنگ در جامعه ما تبدیل شده‌اند، وجود حساب و کتاب و محاسبات را مانع راه و اهداف خود دیده و وجود حرفه مستقل حسابداری را در جامعه انقلابی ما برنمی‌تابیدند. در آن اوضاع و احوال که در یک‌سو جنگ با عراق در گرفته و سرمایه‌های انسانی مملکت در دفاع از مرزها و خاک این کشور بر زمین می‌افتادند و گروهی نوظهور با سوءاستفاده از شرایط رانتی موجود و با دست‌اندازی به‌منابع کشور به مال‌اندوزی مشغول بودند، حرفه مستقل حسابداری در بوته فراموشی قرار گرفته بود. در همان زمان در یک پژوهش میدانی که در شماره ۴۳ و ۴۴ مجله حسابدار به‌چاپ رسید به این نتیجه دست پیدا کرده بودم که شناسایی قانونی حرفه حسابداری راه رهایی از مناسبات هیاتی در مسایل مالی و تفکر تقسیم غنایم و شرط لازم برای اصلاح و حساب‌پذیری جامعه خواهد بود هرچند که نوکیسگان با آن مخالفت خواهند کرد. در سال ۱۳۷۲ ماده‌واحده استفاده از خدمات تخصصی حسابداران ذی‌صلاح به‌عنوان حسابدار رسمی به‌تصویب مجلس‌شورای‌اسلامی رسید، اما در سال ۱۳۷۸ بود که هیات‌وزیران اساسنامه جامعه حسابداران رسمی را تصویب کرد، جامعه‌ای که غیرسیاسی و از مجامع حرفه‌ای موضوع بند۴ ماده۲ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب سال ۱۳۶۶ به‌حساب می‌آمد. اولین گروه حسابداران صاحب صلاحیت برای ارایه خدمات حرفه‌ای تحت عنوان حسابداران رسمی در سال ۱۳۸۰ به جامعه معرفی شدند، اما از همان زمان دست‌هایی به‌کار افتاد که با افزودن آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌های متعدد راه را بر استقلال این نهاد حرفه‌ای نوپا، بسته و مانع ایفای نقش واقعی حسابداران رسمی در جامعه شوند. دست‌اندرکاران واقف هستند که اگر این حرفه فضای لازم را برای کار پیدا کند مجموعه‌ای از خدمات حرفه‌ای از حسابرسی صورت‌های مالی، حسابرسی مالیاتی، حسابرسی داخلی، خدمات حسابداری و مشاوره مالی و مدیریت را می‌تواند ارایه کند که به‌شفافیت رویدادهای مالی کمک کند، اما به‌دلیل همان سنگ‌اندازی‌ها در راه توسعه حرفه حسابداری و عدم اعتماد اجتماعی لازم به آن و رقابت نابرابر با نهاد حسابرسی دولتی، هنوز این حرفه در حاشیه قرار گرفته است. جامعه ما هرچندسال یک‌بار با یک شوک ناشی از فساد مالی تکان خورده و به تکاپو می‌افتد، از ماجرای شهرام جزایری در سال‌های پیش تا مه‌آفرید خسروی در سال ۱۳۹۰ و اخیرا داستان بابک زنجانی، تکانه‌هایی که برای مدتی جامعه را به‌خود مشغول می‌کنند. شوک‌های ناشی از فساد مالی آفتی است که در جامعه ما باقی خواهد ماند تا زمانی‌که ویژه‌خواری در این کشور ریشه‌کن شده و حساب‌پذیری نهادینه شود. به ماجرای بابک زنجانی نگاهی بیندازیم: جوانی در سال ۱۳۷۵ زمانی‌که در دوره خدمت نظام‌وظیفه راننده رییس‌کل بانک مرکزی بوده به‌هر دلیلی قادر شد در اجرای سیاست تنظیم بازار ارز وقت بانک‌مرکزی روزانه ۱۷میلیون‌دلار از بانک‌مرکزی دریافت و با کارمزدی برابر یک‌تومان به ازای هردلار یعنی ۱۷میلیون‌تومان در روز آن را به‌فروش برساند.

در همان زمان حقوق یک استادیار تازه استخدام در دانشگاه معادل ۱۲۰هزارتومان در ماه بود (معادل بهره سه‌میلیون‌تومان در بازار غیررسمی پول، به‌عبارتی یک استادیار سرمایه‌ای اجتماعی به‌ارزش سه‌میلیون‌تومان در آن‌زمان بود، تازه از آن مبلغ بیمه و مالیات هم کسر می‌شد).

آقای بابک زنجانی در مصاحبه با هفته‌نامه آسمان می‌گوید که مدت شش یا هفت‌ماه از این موهبت دلالی دلار برخوردار بوده است و اگر فقط ماهی ۲۰روز از بانک‌مرکزی دلار دریافت و در بازار فروخته باشد یعنی در مدت شش‌ماه، ۱۲۰روز به این کار مشغول بوده است مبلغ درآمد او به ۲،۰۴۰میلیون‌تومان بالغ می‌شود، آیا ایشان که خود را بسیجی اقتصادی نام نهاده است، مالیات بر درآمد ۲،۰۴۰ میلیون‌تومانی خود را بر اساس ماده ۱۳۱ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ با اصلاحیه ۱۳۷۱آن پرداخت کرده است. آیا محاسبه شده است که بر اساس آن قانون ۲،۰۱۰میلیون‌تومان از درآمد آقای بابک زنجانی در آن سال مشمول مالیاتی به نرخ ۵۴درصد می‌شد. اگر با شاخص امروزی کشورمان یعنی سال پایه ۱۰۰=۱۳۹۰ آن ۲،۰۴۰میلیون‌تومان به‌قیمت‌های جاری تبدیل شود، چه مبلغی به دست خواهد آمد؟ بر اساس شاخص جدید ۱۱/۲۱=۱۳۷۵ و ۱۳۰/۵۴=۱۳۹۱ مبلغی معادل ۲۳،۷۵۵میلیون‌تومان می‌شود. حال سوال اینجاست که در همان‌زمان قانون لازم برای اخذ مالیات وجود داشته ولی آیا سازمان امور مالیاتی از درآمدهای آنچنانی مالیاتی ستانده است؟ خود آقای بابک زنجانی به هفته‌نامه آسمان گفته است هیچ بدهی‌ای بابت مالیات و بیمه ندارد. من به‌لحاظ تخصصی صلاحیت ورود در مسایل فقهی را ندارم ولی آیا از نظر فقها، مالیات دریافتی دولت حق‌الناس تلقی نمی‌شود؟ اگر کسب چنان درآمدی اگر هم قانونی می‌بود و ناشی از رانت و ویژه‌خواری نبود آیا مالیات آن پرداخت شده است؟ امروزه این برعهده دادستان مالیاتی هست که به چنین پرونده‌های مالیاتی رسیدگی کند. آیا این وضعیت حاکی از ناسالم‌بودن فضای اقتصادی نیست که وقتی حداقل دستمزد در جامعه امروز ما یعنی در سال ۱۳۹۲حدود ۵۰۰هزارتومان است جوانی با حداکثر تحصیلات دیپلم هنرستان در سال ۱۳۷۵ در شش‌ماه معادل ۲۰۴۰میلیون‌تومان درآمد داشته که معادل امروز آن درآمد مبلغی حدود ۲۴میلیاردتومان می‌شود.

اگر بخواهیم ثروت‌های کسب‌شده افرادی مثل آقای بابک زنجانی را طبقه‌بندی کنیم و حوزه‌های حسابرسی مالی آن را مشخص کنیم سه حوزه مشخص درآمدی، حقوق مالکیتی و تعهدات در مقابل دولت قابل شناسایی خواهد بود. بدیهی است که آقای بابک زنجانی مالکیت شرکت‌ها و موسساتی را دارد که اخیرا نام برخی از آنها شنیده شده است و احتمالا این شرکت‌ها توسط موسسات حسابرسی یا حسابرسان شاغل انفرادی حسابرسی شده‌اند، از سوی دیگر بر اساس آیین رفتار حرفه‌ای اصل رازداری توسط حسابرسان لازم‌الرعایه است مگر در موارد زیر:

الف- افشای اطلاعات طبق قانون مجاز باشد و صاحبکار یا کارفرما نیز اجازه افشای آن را بدهد.

ب- افشای اطلاعات طبق قانون الزامی باشد، از جمله در موارد زیر:

۱- تهیه مدارک و سایر شواهد مورد نیاز در دعاوی حقوقی به حکم قاضی

۲- اعلام به مراجع ذی‌صلاح عمومی در مورد تخطی‌های مشاهده‌شده از قوانین.

ج- افشای اطلاعات در مواردی که منع قانونی نداشته باشد از جمله بررسی کیفیت کار حسابداران حرفه‌ای توسط تشکل حرفه‌ای، پاسخ به سوالات یا تحقیقات تشکل حرفه‌ای، حفظ منافع حرفه‌ای حسابدار حرفه‌ای در دعاوی حقوقی و رعایت استانداردهای فنی و اخلاقی حرفه‌ای.

حال به گمان نگارنده این بر عهده دادستانی محترم یا مدعی‌العموم است که چنان فراخوانی را با همکاری جامعه حسابداران رسمی ایران به موسسات حسابرسی که عهده‌دار حسابرسی شرکت‌ها و موسساتی بوده‌اند که آقای بابک زنجانی در آنها حقوق مالکیتی داشته و ذی‌نفع بوده است، بدهند تا اطلاعات مورد نیاز مقامات تصمیم‌گیر قضایی را در اختیار قرار دهند و فرآیند رسیدگی قضایی-مالی تسریع و تسهیل شود.

حرفه حسابرسی قادر است که اگر ثروت‌های شرکت سرمایه‌گذاری تامین‌اجتماعی در فرآیندی مبتنی بر روابط خاص به آقای بابک زنجانی واگذار شده باشد را افشا کند و بگوید که رانت‌خواری موجد این واگذاری‌ها شده یا قیمت‌گذاری‌ها منصفانه و واقع‌بینانه و واگذاری‌ها در شرایط رقابتی صورت پذیرفته است. اجازه بدهید قبل از اتمام نوشتارم به این نکات اشاره کنم که اولا آقایان شهرام جزایری، مه‌آفرید خسروی و بابک زنجانی اولین و آخرین افراد منتفع‌شده از رانت‌ها و به‌دست‌آورندگان ثروت‌های بادآورده نبوده، نیستند و نخواهند بود و چه بسیار کسانی از این دست که بی‌محاسبه گریخته‌اند و چه بسیار کسانی که در بزنگاه‌های مختلف نامشان به میان خواهد آمد.

ثانیا اگر دولت‌های ما به‌جای دولت‌های رانتی نفتی، دولت‌های متکی به مالیات‌های دریافتی از مردم بودند چنین منابع درآمدی‌ای نمی‌توانستند بدون پرداخت مالیات از زیر دست آنها در بروند.

ثالثا وزارت امور اقتصادی و دارایی در خود بازنگری کند که وقتی سازمان امور مالیاتی از حقوق‌بگیر یک‌میلیون‌تومانی، ۱۷هزارتومان مالیات می‌گیرد چه اتفاقی می‌افتد که متهمان با درآمدهای هنگفت به این میزان از پرداخت مالیات فرار می‌کنند.

رابعا جامعه باید این غفلت تاریخی را کنار بگذارد و به حرفه حسابرسی که تاکنون مغفول مانده است توجه و اعتماد کند و مجلس‌شورای‌اسلامی و دولت به‌جای چیدن بال‌وپر این حرفه، به آن اقتدار بخشیده و از آن مسوولیت بطلبند.

زمستان سخت نفتی‌ها و نیرویی‌ها

احتمال جیره‌بندی آب و گاز تقویت شد

شرق: انگار زمستان بر مدیران نفتی و نیرویی آسان نمی‌گیرد. پس از چند روز آرام سامانه هوای سرد وارد کشور شد تا این احتمال را بار دیگر تقویت کند که به‌زودی قطع گاز میهمان صنایع، پتروشیمی‌ها، نیروگاه‌ها و جایگاه‌های سی‌ان‌جی خواهد شد. هرچند این گرفتاری‌ها تنها مخصوص نفتی‌ها نیست و وزارت نیرو هم روز گذشته با انتشار اطلاعیه از شهروندان تهرانی خواست تا جدا در مصرف آب صرفه‌جویی کنند. چندروزی با آرامش گذشت. نه اینکه تولید افزایش یافت و نه اینکه مردم صرفه‌جویی خاصی را اعمال کردند بلکه سرما کاهش یافت و در پی آن مصرف گاز به شرایط تقریبا نرمالی بازگشت. اما انگار روزگار خوش به گازی‌ها در این زمستان سرد نیامده چراکه با ورود سامانه هوای سرد به کشور از روز گذشته مصرف بار دیگر روند صعودی را در پیش گرفت و گازی‌ها در تلاش هستند تا با مدیریت مصرف، شیرهای گاز را به روی هیچ خانه‌ای نبندند. هرچند کار آسانی نیست. فازهای پارس‌جنوبی که قرار بود یاری‌رسان مدیران نفتی در این روزهای سرد در جهت تامین گاز مورد نیاز کشور باشد به بهره‌برداری نرسیدند. چاره‌ای نیست این روزها نباید گاز را به میدان‌ها تزریق کرد. باید ضرر مالی را به جان خرید تا سرما میهمان خانه‌های ایرانی‌ها نشود. گاز صنایع قطع شود اشکالی ندارد اما به هرحال ما ایرانی‌ها باید با لباس راحت در خانه بگردیم و احساس سرما هم نکنیم. این تصویری است از هر روز سرد ما ایرانی‌ها که در نهایت منجر به مصرف ۶۰۰میلیون‌مترمکعب گاز در هر روز شده است. از این میزان ۴۸۲میلیون‌مترمکعب آن تنها در بخش خانگی مصرف می‌شود و نتیجه آن قطع گاز صنایع، ادارات و جایگاه‌های سی‌ان‌جی بوده است. طبق آمارهای موجود میزان تولید و واردات گاز کشور در سال ۱۳۸۵ حدود ۴۱۷میلیون‌مترمکعب و میزان مصرف کشور (مصرف داخلی، تزریق و صادرات به ترکیه) ۵۲۶میلیون‌مترمکعب در روز بوده، به‌این‌معنا که در فصول سرد سال ۸۵ بیش از ۱۰۹میلیون‌مترمکعب کمبود گاز در کشور وجود داشته است. طبق پیش‌بینی‌های کارشناسان، با ادامه روند فعلی، بدون درنظرگرفتن مصارف جدید نظیر صادرات به هند و پاکستان و افزایش نیاز تزریق و همچنین بی‌توجهی مسوولان این حوزه به مقوله تبدیلات گازی و صنایع انرژی‌بر، طی پنج‌سال آتی، تولید به ۵۵۲میلیون‌مترمکعب و مصرف به ۷۴۴میلیون‌مترمکعب خواهد رسید. به‌این‌معنا که کشور ما در پنج‌سال آتی با سالانه ۱۹۲میلیون‌مترمکعب کسری گاز روبه‌رو بوده و به احتمال زیاد در ۱۲سال آینده به زمره کشورهای واردکننده گاز خواهد پیوست. در حالی‌که طبق آمار و مستندات موجود تنها با استفاده از سلول‌های خورشیدی در حوزه انرژی‌های نو می‌توان کلیه انرژی موردنیاز کشور را تامین کرد و گاز را به امور تزریق، صادرات و تبدیل به فرآورده‌های با ارزش اختصاص داد. چین یک‌میلیاردو۲۰۰میلیون‌نفری سالانه ۱۳۰ تا ۱۴۰میلیاردمترمکعب گاز مصرف می‌کند اما مصرف گاز ایران حدود ۷۰میلیون‌نفری حدود ۱۵۵ تا ۱۶۰ میلیارد مترمکعب در سال است. هم‌اکنون ایران چهار برابر متوسط جهانی، ۱۸برابر ژاپن و معادل کل صنایع ۱۸کشور عضو اتحادیه اروپا گاز مصرف می‌کند. در اروپا در هر مترمربع از ساختمان چهارمترمکعب گاز مصرف می‌شود در حالی‌که این رقم در ایران ۳۰مترمکعب است. استانداردنبودن ساخت‌وسازها در کشور موجب شده که اتلاف انرژی در حد ۲۲درصد از طریق پنجره‌ها، ۲۱درصد کف ساختمان‌ها و ۳۶درصد از دیوارها صورت گیرد که این فرآیند بسیار تاسف‌انگیز است. اگر این روند رشد مصرف انرژی در کشور ادامه یابد و مدیریت صحیحی درخصوص توزیع و مصرف انرژی در کشور صورت نپذیرد در آینده‌ای نزدیک با بحران روبه‌رو خواهیم بود. نگاهی به آمار و ارقام سایر مصرف‌کنندگان انرژی در جهان نیز نشان می‌دهد، استفاده بی‌رویه انرژی، خاصه گاز طبیعی در مصارف عمومی (خانگی و تجاری) از اولویت‌های پایین‌تری نسبت به مصرف در حوزه‌های تاثیرگذار بر اقتصاد کشورها برخوردار است. حتی در روسیه با منابع گازی حدود ۲/۵برابر کشور ما، سیاست گازرسانی به تمامی نقاط و مصارف بالای خانگی دیده نمی‌شود.

ادامه در صفحه ۶

خبر

وقتی برخی بانک‌ها به‌جای بانکداری، دلالی ملک می‌کنند

● **فارس:** در سایه نبود نظارت موثر، برخی بانک‌های خصوصی به‌جای تلاش در رقابت بانکداری و کاهش نرخ خدمات و سود تسهیلات و به‌جای ارایه تسهیلات، به تملک و خریدوفروش ملک و آپارتمان مسکونی روی آورده‌اند. در شرایطی که گفته می‌شود، اقتصاد کشور دچار رکود تورمی شده است، اما برخی کارهای دلالی و بانکداری رونق خاصی گرفته و علاوه بر اینکه هرروز بانک‌های جدید خصوصی و موسسه‌های مالی و اعتباری زیاد می‌شوند، هرروز شعبه‌های جدید احداث یا شعبه‌های بانک‌ها نونوار و شیک می‌شوند. کارشناسان اقتصادی می‌گویند: فلسفه اجازه تاسیس بانک یا موسسه مالی و اعتباری در کنار بانک‌های دولتی، این بود که انحصار دولت شکسته شود و رقابت سالم برای کاهش نرخ خدمات و نرخ سود تسهیلات ایجاد شود، اما ظاهرا برعکس شده و مسابقه افزایش نرخ سود در بانک‌ها ایجاد شده به‌گونه‌ای که در تابلو شعبه‌های بانک خصوصی نرخ‌های خیره‌کننده سود سپرده به مشتریان وعده داده می‌شود. برخی بانک‌های خصوصی به‌جای فعالیت تخصصی بانکداری یعنی دادن تسهیلات به فعالان اقتصاد، مردم و صنعتگران، با پول مردم که در بانک‌ها سپرده‌گذاری شده، اقدام به کار دلالی مانند خریدوفروش ارز، سکه یا ملک و آپارتمان کرده‌اند. ورود برخی بانک‌ها به خریدوفروش ملک و مغازه یا آپارتمان مسکونی نه‌تنها مجاز نیست و باید بانک مرکزی به‌عنوان مقام ناظر نظارت و جلوگیری کند، بلکه به افزایش کاذب تقاضا و در نتیجه افزایش قیمت آپارتمان و ملک منجر می‌شود. یکی از بانک‌های خصوصی در روزنامه پرشمارگان یکشنبه ۱۵ دی ۹۲ اقدام به نشر آگهی ربع صفحه پنج کرده که بر اساس گفته مقام آگاه دست‌کم ۱۰میلیون‌تومان پول نشر آگهی یک نوبت آن است. این آگهی با عنوان «فروش آپارتمان‌های مسکونی و واحدهای اداری و تجاری با شرایط ویژه» چاپ شده است. عمده املاک مسکونی این بانک آپارتمان‌های مسکونی در شمال تهران با قیمت‌های ۲/۵ تا۲/۶میلیاردتومان است و برای خالی‌نبودن عریضه چند ملک اداری یا مغازه تجاری هم در کنار آپارتمان‌های مسکونی به حراج گذاشته است. در شمال کشور و نقاط خوش‌آب‌وهوا نیز تابلوهایی به چشم می‌خورد که «این ملک متعلق به فلان بانک یا فلان اداره یا فلان سازمان است» این کار به پدیده زمین‌خواری و ازبین‌بردن شالیزارهای زیبای شمال یا تصرف غیرقانونی ساحل دریای خزر منجر می‌شود.